

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## چرا خداوند من را آفریده؟

چرا قبل از آفریدن از من پرسیده: می خواهی زندگی کنی که سرانجام بهشتی شوی یا جهنمی؟ این کار خدا نوعی ظلم محسوب می شود.

محقق: استاد عتیق الله افندی

تهیه و ترتیب: مرکز هدایت؛ رد اسلام ستیزان

مرکز هدایت در پیح ای بسوی هدایت ورد اسلام ستیزان و شبهات باطل شان، با ما پیوندید.



[@Hedayat1442](#)

[@Hedayat1442](#)

+93786995835

**شبهه:**

چرا خداوند ما را آفریده و قبل از آفریدن از ما نپرسیده: می‌خواهی زندگی کنی که سرانجام بهشتی شوی یا جهنمی؟ این کار خدا نوعی ظلم محسوب می‌شود.

**جواب:****الف:**

این که می‌گویند: «من نمی‌خواستم آفریده شوم»، سخن اشتباهی است؛ زیرا «من» اصلاً وجود نداشته‌ام تا از من سؤالی صورت گیرد. وقتی که چیزی موجود نباشد، چطور نسبت به وی ظلمی صورت گرفته؟ چگونه از وی حقی سلب شده تا آن را ظلم بنامیم؟!

پس این سؤال از اساس اشتباه می‌باشد، سؤال درست این است که از خود پرسیم:  
«حال که خلق شده‌ام، آیا خلق شدن را دوست دارم یا نه؟»

اگر فطرت سالم باشد، (هستی) را دوست خواهیم داشت وگرنه یأس و ناامیدی شیطانی ما را فرا گرفته و خواهیم گفت: «دوست ندارم»، پس معلوم شد که این شعاری القاء شده از جانب شیطان است.

**ب:**

اگر کسی بگوید: خداوند عالم مطلق است و از اراده‌ی افراد آگاهی دارد، چرا افرادی را آفریده که میل به خلقت نداشته‌اند؟

در جواب باید گفت:

از طبیعت سؤال این گونه احساس می‌شود که گویا انسان‌ها قبل از خلقت، حقی بر گردن خدا دارند و خداوند باید کاری کند که حق آن‌ها پایمال نشود. اما این پیش‌فرض اشتباه است؛ زیرا الله متعال بی‌نیاز مطلق است

که هیچ موجودی بر او حقی ندارد و هرگز کسی او را مورد بازخواست قرار نمی‌دهد: ﴿لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ﴾ [انبیاء/۲۳]

«خداوند از آنچه انجام می‌دهد سؤال کرده نمی‌شود، در حالی که همگان (غیر از او) مورد بازخواست قرار می‌گیرند».



ج:

چند مقدمه را باید در نظر گرفت:

۱- همه‌ی عالم هستی ملک مطلق خداوند است.

۲- هر مملوکی تابع امر مالک است.

۳- علت تبعیت مملوک نسبت به مالک مصلحت‌دار بودن نیست بلکه صرفاً مملوک بودن اوست.

بنابراین الله متعال مالک است و همه مملوک؛ اوست که هر که را بخواهد بازخواست کند، ولی کسی نمی‌تواند او را مورد بازخواست قرار دهد اما چون او حکیم است، پس حتماً مصلحت و حکمتی دارد؛ خواه بدانیم یا ندانیم!!

د:

همه‌ی انسان‌هایی که اکنون در عالم هستی زندگی می‌کنند، دو قرن پیش خاک بودند و دو قرن بعد هم خاک خواهند شد. این ذات اقدس الهی است که برای مشت خاکی که زیر پاها بود، بهترین شرف و کرامت را عرضه کرد؛ علامه اقبال لاهوری می‌فرماید:

گر چه آدم بر دمید از آب و گل      رنگ و نم چون گل کشید از آب و گل  
حیف اگر در آب و گل غلطد مدام      حیف اگر برتر نپرد زین مقام

بنابراین وجود یافتن از وجود نداشتن بهتر است؛ از همین روست که انسان‌ها به دنبال زنده ماندن و بهرمندی بیشتری از زندگی هستند. رسیدن به کمالاتی که شخص می‌تواند به آن‌ها برسد، خواسته‌ای است که هر کسی به دنبال رسیدن به آن است. الله جلّ و علا انسان را آفرید تا به او جودی کند و او را به کمال برساند:

من نکردم خلق تا سودی کنم      بلکه تا بر بندگان جودی کنم

اگر بالفرض برای انسان‌هایی که می‌خواهند آفریده شوند، گفته شود: «به واسطه‌ی به وجود آمدن و انجام دادن دستورات الهی، به چه سرنوشت و کمالاتی می‌رسند!» بدون هیچ شک و شبهه‌ای ایجادشدن را می‌پسندند.

ه:

انسان‌ها برای این که در مسابقات جایزه کسب کنند، انواع سختی‌ها و را تحمل می‌کنند؛ تا جایی که اگر کسی را به مسابقه اجازه ندهند، او اعتراض می‌کند: چرا او را اجازه‌ی شرکت ندادند؛ در حالی که شایستگی آن را داشته؟

دنیا نیز میدان مسابقه است و همه‌ی انسان‌ها شایستگی شرکت در آن مسابقه را دارند؛ زیرا به آن‌ها اختیار کامل داده شده تا با تحمل اندکی رنج و زحمت، به کمالات دست پیدا کنند. طبیعت حال این است که اگر برای انسان‌ها اجازه‌ی شرکت در این مسابقه داده نمی‌شد، باید اعتراض می‌کردند.

پس این سؤال (چرا خدا مرا آفریده؟) سؤالی است بر خلاف فطرت...

این که پس از مدتی به فکر انسان می‌رسد که (ای کاش به وجود نیامده بود و چرا خدا از وی نپرسید و او را به وجود آورد) تنها به این خاطر است که این مسابقه را سخت می‌بیند و چون تحملش کم است، مشکل را بر گردن دیگری می‌اندازد، بر گردن کسی که مسابقه را به راه انداخته است.

در این مسابقه کسی که امکانات (معنوی و مادی) بیشتری دارد، مسیر سخت‌تری در انتظارش است و کسی که امکانات کمتری دارد، مسیر راحت‌تری دارد؛ به طور مثال:

به یک نفر قایق داده شده و مسیر حرکتش رودخانه است.

به یک نفر بالن داده شده و مسیر حرکتش، پرواز بر فراز یک کوه است.

به یک نفر نیز دوچرخه داده شده و مسیر حرکتش، جاده‌ای متناسب با آن است.

اما در نهایت، مقصد همه یکی است و هر کدام که بتواند با توجه به امکانات، مسیر خود را به درستی طی کند و به مقصد برسد، برنده خواهد بود.

در دنیا نیز افراد ثروتمند یا فقیر، صحتمند یا مریض، زیبا یا زشت و... آفریده شده‌اند و هر کدام به اندازه‌ی امکاناتش در این مسابقه شرکت می‌کنند. در این مسابقه، محدودیتی در برنده‌ها وجود ندارد، بلکه همگان می‌توانند برنده شوند ولی هر کس سبقت بگیرد، از نعمت بیشتری برخوردار خواهد شد.

و:

خداوند متعال ما را نیافریده تا گناه کنیم و به جهنم برویم، بلکه او به ما گوهری ارزشمند به نام «اراده و اختیار» داده است و علاوه بر آن، خواسته است تا راه کمال را در پیش گیریم و ما را به سوی آن بسا تشویق‌ها



کرده است. راه را هموار ساخته است، پیامبران را فرستاده، کتاب‌ها نازل نموده، دلایل قائم کرده است. باید انسان به اختیار خود کمی سختی را تحمل کند تا از مهمانی همیشگی الله متعال بهرمنند شود، وگرنه باید طعم تلخ بدبختی را بچشد.

اگر برخی دانش‌آموزان کلاس درس، به خوبی درس بخوانند و به وظایف خود به خوبی عمل کنند، قطعاً شایستگی جایزه گرفتن و رسیدن به مقامات بالا را دارند و اگر بالعکس هیچ توجهی به درس نشان ندهند، بلکه به دشمنی با درس برخیزند، قطعاً از پیشرفت بازمانده و راه بیچارگی را در پیش گرفته اند.

اگر به هر دو گروه شاگردان به یک چشم نگریسته شود و به هر دو پاداش و جایزه داده شود، حماقت و ظلم است، پس باید فرق بین آن دو باشد.

بهشت پاداش انسان‌های نیکوکاری است که به وظیفه‌ی دنیوی خود عمل کرده اند و جهنم نیز برای افرادی است که در کلاس درس دنیا، وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام نداده اند...؛ اگر چنین نمی‌بود، قطعاً این اشکال مطرح می‌شد که تفاوت خوبان و بدان در چیست؟

ز:

اگر کسی سفره‌ای را پهن کند و عده‌ای را دعوت کند که بیایند و از غذاهای آماده‌ی روی سفره میل کنند، اگر که کسی با اختیار خود از این غذا نخورد و در اثر گرسنگی، برایش عوارض جبران ناشدنی پدید آمد، بر میزبان هیچ اشکالی وارد نخواهد بود.

بر میزبان هیچ اشکالی نخواهد بود و نمی‌توان او را بازخواست کرد که چرا دعوتش کرده است!! اگر دعوتش نمی‌کرد و به علم خود (که فلان مهمان از غذا نمی‌خورد) بسنده می‌کرد، ممکن بود از طرف همان مهمان مورد مؤاخذه قرار گیرد که چرا از من دعوت به عمل نیآورده‌ای و اگر از من دعوت می‌کردی، من از آن غذا می‌خوردم.

ح:

الله متعال فیاض مطلق است و هر موجودی که امکان وجود داشته باشد، خدا به وی وجود می‌دهد. وجود در هر حالت از عدم بهتر است، هر موجودی در اصل وجودش خیر است و شر شدن آن امری عارضی است.

حتی شیطان نیز از ابتدا شر نبوده بلکه هم‌نشین ملائکه بوده است، اما از آن جایی که راه شر و بدی را در پیش گرفته، نماد شرارت گشته است.

اگر انسان به جایگاه و منزلت حقیقی خود پی ببرد، هرگز چنین شکوه‌ای نمی‌کند (چرا خدا مرا آفرید؟).

تاج «کرمنا» ست بر فرق سرت      طوق «أعطیناک» آویز بورت  
جوهر است انسان و چرخ او را عرض      جمله فرع و پایه اند و او غرض  
ای غلامت عقل و تدبیر است و هوش      چون چینی، خویش را ارزان مفروش

مثنوی، دفتر ۵، ابیات ۳۵۷۴-۳۵۷۶

ط:

کسانی که می‌گویند: «ما از اول نمی‌خواستیم که پا به این جهان بگذاریم»، کسانی هستند که در این دنیا با ناامیدی‌ها و ناکامی‌هایی دست و پنجه نرم می‌کنند و می‌گویند: «ما از اول هم نمی‌خواستیم اینجا بیاییم». این گفته‌ی شان مثال کسی است که در مسابقه‌ای شرکت کرده، اما نتوانسته موفقیت را از آن خود سازد و ناکام شده است؛ از همین رو می‌گوید: «من از اول هم نمی‌خواستم در این مسابقه شرکت کنم، مرا به زور آورده اند».

پس این جمله‌ی «مرا به زور آورده اند» از القاءات شیطانی است که برای مأیوس ساختن افراد مطرح می‌شود.

ی:

الله متعال پادشاه حقیقی عالم هستی است، همه‌ی مخلوقات را آفریده و این همه نعمت را پخش کرده است؛ از دسترخوان نعمتش همه بهره‌مند گشته اند، پس باید که مخلوقات او را بشناسند و از وی تشکر نمایند؛ هر کدام از مخلوقات به اندازه‌ی استعداد و بندگی‌اش به شکر نعمت‌های الهی می‌پردازد. انسان که گل سرسبد عالم هستی است نیز باید به اندازه‌ی استعداد و الایش به شکرگذاری از نعمت‌های منعم حقیقی پردازد.

همین تشکر از نعمت‌ها را «عبادت» گویند؛ عبادت یعنی اعتراف به بندگی و قصور خویش در مقابل آن آقایی که همه چیز عالم هستی را آفریده؛ این جاست که الله متعال می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [الذاریات/۵۶]. «من جن و انسان را نیافریدم مگر این که مرا

به وحدانیت شناخته و عبادت کنند».



تنها ذاتی که شایستگی عبادت را دارد، الله متعال می‌باشد؛ همه‌ی انواع عبادت را فقط باید برای وی انجام داد و برای هیچ کس دیگری شایسته نیست، او باید شناخته شود و اسماء و صفاتش ظهور یابند.  
مولانا:

بهر اظهار است این خلق جهان تا نماند گنج حکمت‌ها نهان

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ [طلاق/۱۲]. «خدا همان است که هفت آسمان را و همانند آن زمین را آفریده است. فرمان (خدا) همواره در میان آنها جاری است (و تدبیر هدایت و رهبری او، لحظه‌ای از جهان بزرگ هستی برداشته نمی‌شود، این آفرینش عظیم بدان خاطر است) تا بدانید خداوند بر هر چیزی توانا است و آگاهی او همه چیز را فرا گرفته است».

من ادعا می‌کنم انجینر هستم، چه کسی این را قبول خواهد کرد تا زمانی که تولیدی از خدمات انجینیری من را نبیند. پس برای این که من به عنوان یک انجینر شناخته شوم، باید افرادی باشند تا شاهد تولیدی از من باشند. الله متعال خالق است و خلق می‌کند؛ پس باید که مخلوقات باشند تا او را به عنوان خالق بشناسند. لازم به ذکر است که ظهور کمال خداوند متعال، نیازمند وجود انسان نیست، بلکه بدون احتیاج به خود انسان، آثار کمال مطلق او بر انسان ظاهر می‌شود؛ چنان چه خورشید اثر نورش را اظهار می‌کند، در حالی که هیچ احتیاجی به سایر مخلوقات ندارد.

ک:

جالب‌تر از همه این است که الله متعال همه‌ی عالم هستی را در خدمت انسان آفریده است:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...﴾ [بقره/۲۹].

همه برای انسان خدمت می‌کنند؛ پس باید که انسان به بندگی مولایش مشغول باشد و از بندگی وی سرباز نزند؛ سعدی می‌فرماید:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند      تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری  
همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار      شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

اگر کسی برای شما پول و ثروت می‌دهد، برای همیشه سپاسگذار احسان او هستید؛ اگر کسی عضوی از اعضای بدنش را به شما اهدا می‌کند، زندگی خود را مدیون او می‌باشید، آیا این شرط انصاف است که آن ذاتی را فراموش نمائیم که گوهر والای زندگی را به ما عنایت فرمود؟! راستی! کدام نعمت را بالاتر از حیات جسمی و معنوی می‌دانید؟!

﴿وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي...﴾ [یس/۲۲]. «مرا چه شده که پرستش نکنم آن ذاتی که مرا آفریده است.»

پس او به ما نیازی ندارد، بلکه ما نیازمند همیشگی درگاه وی هستیم.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ [فاطر/۱۵]. «ای انسان‌ها! همگی شما فقیر به سوی الله هستید؛ در حالی که الله متعال بی‌نیاز و ستوده شده می‌باشد.»

ل:

در برخی افکار این وسوسه‌ی شیطانی خطور کرده است: (خداوند هیچ چیزی را بیهوده نیافریده و به ما نیازی هم ندارد، پس چرا ما را آفریده تا او را عبادت کنیم؟)

شخص عالمی را در نظر بگیرید که علم خود را به دیگران یاد می‌دهد؛ در حالی که آن شخص نه به یادگیری آن مطالب توسط دیگران نیازمند باشد و نه به پول و شهرت و... این شخص از سر «نیازمندی» به دیگران آموزش نمی‌دهد، بلکه از سر لطف اوست که دیگران این مطالب را یاد بگیرند. آن شخص برای «یادگرفتن» به دیگران آموزش می‌دهد؛ زیرا لطف کردن و خوبی کردن در ذات آن شخص است و هم‌چنین «یادگرفتن» به نفع خود مردم است و مردم به آن نیاز دارند نه آن شخص...  
به همین صورت، این ما هستیم که به عبادت نیاز داریم نه خدا...

پزشکی مردم را معالجه می‌کند بدون این که به آن‌ها نیازی داشته باشد و از آن‌ها هیچ پولی هم دریافت نمی‌کند. کار این پزشک بیهوده خوانده نمی‌شود، بلکه این از لطف و بزرگواری اوست.

الله متعال به کسی نیاز ندارد و محتاج هیچ موجودی هم نیست، عبادت به خودمان سود می‌رساند. پس الله متعال ما را بر اساس حکمتش خلق کرده است و اگر مریض از حکمت طبابت طبیب سر در نیاورد، نمی‌توان علم طبیب را زیر سؤال برد.





م:

مثال کسی که خود را به این سؤالات مزخرف مشغول کرده: (چرا خدا مرا آفریده؟ مگر این ظلم نیست؟ چرا از من نظرخواهی نکرده است؟) همانند این است:

تصور کنید بر لبه‌ی یک صخره ایستاده‌اید و کسی شما را به درون اقیانوس پر از کوسه هل می‌دهد. حال، کسی که شما را هل داده، یک نقشه‌ی ضد آب و یک مخزن اکسیژن به شما می‌دهد تا از طریق مناطق امن حرکت کرده و در نهایت به یک جزیره‌ی گرمسیری بسیار زیبا برسید و برای همیشه در آن جزیره سعادت‌مندانانه زندگی کنید. اگر هوشیار باشید، از نقشه‌ی راهنما استفاده کرده و به آن جزیره‌ی امن می‌رسید، اما این که خود را درگیر این سؤال کنید که چرا به این اقیانوس افتاده‌اید، در نهایت باعث می‌شود که کوسه‌ها شما را شکار کنند!

برای مسلمانان، قرآن و سنت‌های پیامبر، نقشه و مخزن اکسیژن است، که مسیر امن زندگی را به ما نشان داده تا آن را به سلامت طی کنیم. ما باید خداوند را بشناسیم، دوست داشته باشیم و از او پیروی کنیم و تمامی اعمال عبادی خود را تنها برای او جهت دهیم. اصولاً ما این انتخاب را داریم که با نادیده گرفتن این پیام به خود آسیب بزنیم و یا با قبول و پذیرش آن، محبت و رحمت خداوند را در آغوش بگیریم.

## مرکز هدایت در چه‌ای بسوی هدایت، ورد اسلام ستیزان و شبهات باطل شان، با ما پیوندید.



[@Hedayat1442](https://www.instagram.com/Hedayat1442)

[@Hedayat1442](https://www.facebook.com/Hedayat1442)

+93786995835